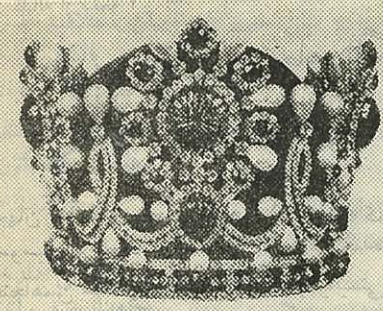


مردم ارکان مرکزی ضرب توده ایران



ماه آبارت : برای شاه مستبد شبهای نورانی
تاجگذاری ! برای قهرمانان خلق سحرگاه تیره مرگ !
برای شاه تخت طماوس ! برای قهرمانان چوبه
اعدام !

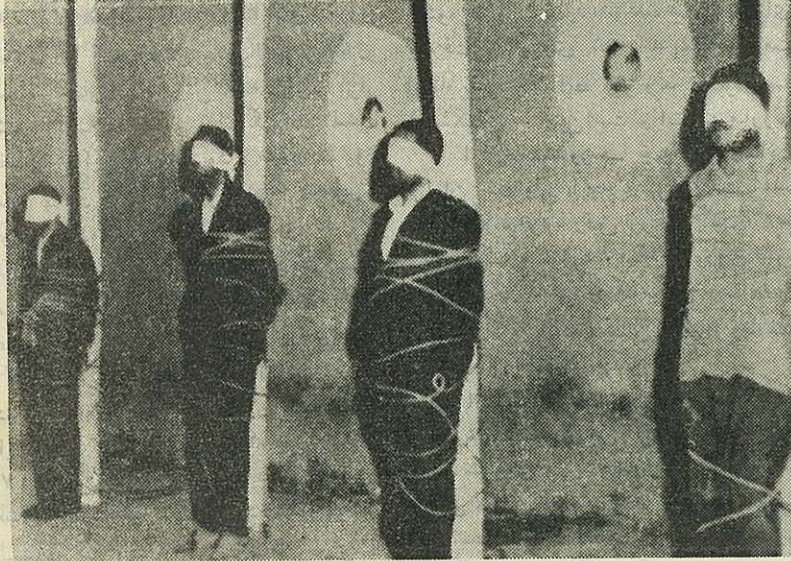
روزی گذشت پادشهی از گنر گهی
فریاد و باذک و شور ز هر کوی و بام خاست
پرسید از آن مبانه یکی کودک یتیم :
« کاین تابناک چیست که بر فرق پادشاست ؟ »
آن یک جواب داد : « چه دانیم ما که چیست ،
بیداست آنقدر که متاعی گرانهاست .
نزدیک رفت پیر زنی گوژپشت و گفت :
« این اشک دیده من و خون دل شماست ،
ما را به چوب و رخت شبانی فریفته است
این گرگ سالهاست که با گله آشناست .
پروین اعتصامی

جشن پنجاهسالگی اکتبر کبیر باشکوه بی ماندی برگزار شد

پنجاه سال پیش، پس از آنکه حکومت
موقت در پترو گراد ، پایتخت آنروز روسیه
واژگون گردید این سخن نین در سراسر
جهان طنین افکن شد : « رفقا ! آن انقلاب
کارگری و دهقانی که بلشویکها همواره از
ضرورتش سخن میگفتند انجام گرفت . در
آنروزها مدیحه سرایان سرمایه داری در باره
شکست قریب الوقوع رژیم شوروی قلمفرسایی
میکردند . روزنامه امریکائی « کارنت
هیستوری » نوشته بود : « نخستین تصوینامه
هائی که در پترو گراد صادر شده است روسیه
را دچار بلیه جبران ناپذیری خواهد کرد .
ولی آنچه دچار بلیه جبران ناپذیر شد رژیم
جابرانه بهره کشان بود که برای همیشه در
یک ششم کوره زمین مدفون گردید . تنها
پنجاه سال از آن تاریخ میگذرد و این مدت
در طول تاریخ مدتی است کوتاه ولی کامیابی
های مردم شوروی در این مدت کوتاه عظیم
است . مردم شوروی و زحمتکشان سراسر
دنباله در صفحه ۲

یک نمایش خنده آور و حزن انگیز در «تماشاخانه» تهران!

در هفته های اخیر، تهران به تماشاخانه
یک نمایش خنده آور تبدیل شد . بازیکنان
اصلی این نمایش ، محمد رضا شاه ، همسرش
فرح دیبا و پسر هفت ساله اش رضا بودند و
جمع درباریان ، آجودانها ، ملتزمین رکاب و
امراء لشکری و کشوری ، در نقشهای فرعی و
یا ساهی لشکر ایفاء وظیفه میکردند .
برای تأمین هزینه این « کمدهی » پر
خرج ، اعلیحضرت بشیوه معمول جیب ملت را
در نظر گرفت ، گویا بحسابهای بانکی وی در
اروپا و امریکا بعلت « بعد مسافت » !! دسترسی



اگر ای شاه ، من و همسر زیبای مرا
با سم اسب بکوبی به سر و سینه ما
در سحر هدیه کنی چند گل سرب مذاق
یا شوی مست ز خون من و او جای شراب
صبح فردا بپرم باز بخواند بسرود
که به هشیاری حزب پدرم باد درود !
رفیق شهید سرگرد جعفر وکیلی - زندان تیپ زهی - مهر ماه ۱۳۳۲

سخنرانی رفیق عبدالصمد کامبخش

عضو بوروی کمیته مرکزی حزب توده ایران
(در جریان شرکت هیئت نمایندگی ایران در جشن پنجاهمین سالروز انقلاب اکتبر در مسکو)
بظوریکه قبلا اطلاع داده بودیم هیئت
نماینده گی حزب توده ایران از طرف کمیته
مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی برای
شرکت در جشن پنجاهمین سال انقلاب کبیر
سوسیالیستی اکتبر به مسکو دعوت شده بود .
روز ۵ نوامبر اعضای این هیئت با اتفاق
هیئت های نمایندگی جبهه ملی آزادی ویشنام
جنوبی و حزب کمونیست فرانسه از کارخانه
« فرزر » بنام کالینین در مسکو بازدید کردند .
در جریان بازدید رفیق کامبخش در باره نقش
اتحاد شوروی در جنبش آزادیبخش ملل جهان
سخنرانی کرد . متن این سخنرانی در شماره
۸ نوامبر ۱۹۶۷ روزنامه « پرودا » بچاپ
رسیده است .
رفیق کامبخش در سخنرانی خود پس
از تهنیت به کارگران و کارکنان کارخانه
بمناسبت جشن بزرگ پنجاهمین سالروز اکتبر -
گفت : « در اکتبر ۱۹۱۷ طبقه کارگر
قهرمان روسیه برهبری حزب بلشویک ها و در

به میگیس تئودورا کیس

اینروزها آهنگساز جوان یونانی « میگیس تئودورا کیس » توهین شده ، شکنجه دیده
در بیدادگاه فاشیستی بر صندلی اتهام نشست ،
جرم او چیست ؟
اینکه « ترانه برادر شهید » را پرداخته ، موسیقی جهان پیمای « سوربا » را ساخته
اها ها و سمفونی های دل انگیز را بهم پیوسته و نام یونان را به بال سبک نغمه ها بدورادور
برده است . . . اینکه یونانی است نه فاشیست ، انسان است نه مزارشیت ، مبارز است نه
برده استعمار .
ولی آخر جرم میگیس تئودورا کیس چیست ؟ و جرم همه آنها که در بیدادگاه نظامی
بر صندلی اتهام می نشینند ، جرم همه این نگاه های خسته ، دهانهای بسته ، قلم های شکسته
ظنهور های گسسته ؟ بدستور که چکمه ها جناغ سینه ها را می شکند تازیانه ها ببر پلکها
کوفته میشود ، سیگار های سوزان گونه های داغ را میگدازد ؟
ای خدایان پتناکن ، ای تاجداران و منصبداران بی وجدان ! امروز متکبران خاموشید
ولی مطمئن باشید باز پرس زمان شما را به پاسخ وا خواهد داشت .

جشن پنجاهسالگی اکتبر کبیر

با شکوه بی‌مانندی برگزار شد



جهان با احساس امید و غروری که کامیابیهای سوسیالیسم ایجاد کرده است روز فرخنده پنجاهمین سالگرد انقلاب کبیر سوسیالیستی اکتبر را جشن گرفتند و نمایندگان ده ها میلیون کمونیست در این جشن پرشکوه شرکت جستند و بمناسبت پیروزیها و دست آورد های درخشان مردم شوروی شادباش گفتند. بمناسبت پنجاهمین سالگرد انقلاب کبیر نه تنها در همه شهر ها و روستا های شوروی نه تنها در کشورهای سوسیالیستی بلکه در سراسر جهان مراسم جشن دامنه داری برگزار شد. آنچه در مسکو و لنینگراد گذشت نقطه اوج این مراسم بود. ساعت ده روز سوم نوامبر در کاخ کنگره های کرمل مجمع فوق العاده ای با شرکت بیش از ۶۰۰۰ تن از نمایندگان سازمان ها و قشر های مختلف و ۹۵ هیئت نمایندگی از کلبه کشورهای جهان تشکیل شد. در جلسات این مجمع که دو روز ادامه داشت تأثیر انقلاب اکتبر در روند انقلاب جهانی نمایان گردید. ترکیب این مجمع تحولات ژرفی را که پس از اکتبر ۱۹۱۷ در جامعه بشری پدید آمده است نشان میداد. حضور نمایندگان ده کشور سوسیالیستی در کنار رهبران شوروی نشانه ای از توسعه میدان فعالیت و نفوذ سوسیالیسم، شرکت نمایندگان بیش از ۶۰ حزب کمونیست و کارگری که در خارج از مرزهای اردوگاه سوسیالیسم برای نیل بهدفعهای اکتبر پیکار میکنند (و از آنجمله حزب توده ایران) نشانه ای از دامنه عظیم جنبش جهانی کمونیستی بود و حضور نمایندگان دولتهای نو استقلال تلاشی سیستم مستعمرات و تنگ شدن مرزهای جغرافیایی و میدان عمل امپریالیسم را نشان میداد.

در این مجمع پس از آنکه رفیق یادگورنی صدر شورای عالی جلسه را افتتاح کرد و به هیئتهای نمایندگی شادباش گفت، رفیق برژنف دبیر کل حزب کمونیست اتحاد شوروی طی سخنرانی جامع خویش خطوط اساسی تاریخ پنجاه ساله شوروی و درسهای حاصله از تجربه شوروی و هدفهای عمده سیاست شوروی را تشریح کرد. رفیق برژنف ضمن تشریح دست آورد های مردم شوروی خاطر نشان ساخت که ساختمان سوسیالیسم بدون غلبه بر مشکلات گوناگون انجام نمیکرد و متذکر شد که «ساختمان سوسیالیسم امر دشواری بود بویژه برای نخستین سازندگان آن. این امکان وجود داشت که این یا آن عمل را بهتر، سریعتر و به بهای ارزاتری انجام دهند ولی اگر بخواهیم راه طی شده را بطور عینی ارزیابی کنیم هرگز نباید این نکته را از نظر دور بداریم که هر گامی که در این راه برداشته شده پژوهشی بوده و هر پیشرفتی بهای مبارزه سرسختانه علیه دشمنان داخلی و خارجی بدست آمده است.»

ثمرات این مبارزه سرسختانه چیست؟ صنعت نیرومندی که هفتاد و سه بار بیشتر از سال ۱۹۱۳ محصول دارد، رژیم اجتماعی فارغ از بیکاری و از نابرابری های طبقاتی، مردم وارسته از بیم فردا، آموزشی که در دسترس همگان است، دانشی که سیطره خود را در زمین و در کیهان برقرار کرده، قدرت مادی و فنی که برای رونق همه جانبه کشور ضرورت دارد، پایگاه نیرومندی برای پیشرفت کشاورزی که باید بسطح صنعت ارتقاء پذیرد، شرایط بهتر زندگی برای همه زحمتکشان — چنین است ثمرات این مبارزه. اگرچه دستاوردها خود مایه رضایت فراوان است ولی آنچه تاکنون بدست آمده نمیتوان قانع بود. رفیق برژنف گفت: «ما میدانیم که هنوز همه مردم شوروی طبق دلخواه ما زندگی نمیکند باین سبب تأمین رفاه روزافزون مردم همچنان یکی از وظائف اساسی ما را تشکیل میدهد.»

از نظر مردم شوروی استقرار صلح پایدار شرط ضروری نیل باین هدفست. کوشش اتحاد شوروی برای تجهیز ارتش خویش بهمه وسائل لازم، اقدامات مجدانه و یکپارچه حزب کمونیست و دولت اتحاد شوروی برای تحکیم همبستگی کشورهای سوسیالیستی، برای تقویت وحدت جنبش کمونیستی و تأمین اتحاد نیروهای ضد امپریالیستی همه و همه برای جلوگیری از یک جنگ هسته ایست که اگر شعله ور شود برای تمام بشریت فاجعه جبران ناپذیری خواهد بود.

با توجه بمنافع کشورهای سوسیالیستی و احزاب کمونیست و کارگری و ضرورت مؤثر تر ساختن مبارزه بغاظر صلح است که دبیر کل حزب کمونیست اتحاد شوروی طی سخنرانی خود از موضع «گروه مائوتسه دون» که به سوسیالیسم در چین لطمه بزرگی میزند و میکوشد وحدت جامعه کشورهای سوسیالیستی و جنبش کمونیستی را برهم زند و با منافع مبارزه انقلابی خلقها ماینت دارد» انتقاد کرد. اگر گروه مائوتسه دون در مقابل جریان کمکهای کشورهای سوسیالیستی بویتنام مانع نمیشدند کامیابیهای نظامی خلق بویتنام میتوانست پیش از این باشد.

در مجمع کرملین نمایندگان مبرز قشرهای جامعه شوروی، زمامداران کشورها، رهبران احزاب کمونیست و کارگری نمایندگان سازمانها و جمعتهای دموکراتیک ملی و بین المللی همه یکدل و یک زبان بر آن بودند که مناسبات بین دولتها باید بر اصول تفاهم، تعاون، احترام متقابل، دوستی و برادری خلقها مبتنی باشد نه بر پایه تسلط جوئی، رقابت و خصومت.

در روز پنجم نوامبر مراسم خاصی در لنینگراد برگزار شد. پس از نمایش عظیم صبح پنجم نوامبر که در آن دهها هزار تن

شرکت جستند و صدها هیئت نمایندگی بنای یادبود قهرمانان انقلاب را گلزاران کردند، در عصر همان روز جلسه رسمی با حضور چهار هزار تن از فعالین حزب کمونیست و نمایندگان احزاب برادر در سالن مجلل «اکتبر» تشکیل شد. رفقا برژنف، یادگورنی و کاسیگین که از طرف کمیته مرکزی حزب کمونیست، شورای عالی و دولت شوروی برای مردم لنین گراد حامل پیامی بودند در این جلسه شرکت داشتند. شهر لنین گراد که مهد سه انقلاب است طی دومین جنگ جهانی ۹۰۰ روز در محاصره اردو های فاشیست بوده و بیهای صدها هزار تن قربانی از دست یافتن ددمنشان هیتلری بمهد انقلاب اکتبر جلوگیری کرده است، به دریافت نشان انقلاب اکتبر مفتخر گردید. مردم لنینگراد که در زمان جنگ چنان قهرمانی از خود نشان دادند در زمان صلح نیز وظائف انقلابی خود را در ساختمان پایه های مادی و فنی کمونیسم انجام میدهند.

هفتم نوامبر مراسم جشن در میدان سرخ برگزار شد. هرگز پایتخت اتحاد شوروی صحنه چنین نمایش خیره کننده ای نبوده و هرگز رژه نظامی و نمایش زحمتکشان چنین دامنه و قدرت خاطره انگیزی نداشته است. در مراسم میدان سرخ رویداد های مهم پنجاه سال گذشته از شلیک توپهای «اورورا» گرفته تا آخرین پیروزیهای کیهانی شوروی بطور زنده نمایش داده شد. این تمام خلق بود که جشن پیروزیهای خود را بر پا کرده بود و تمام خلق بود که در عرض یکروز تاریخ پنجاه ساله خود را از نظر میگذراند. رژه نمونه هایی از گارد های سرخ با لباس و تجهیزات ۱۹۱۷، از واحدهای مسلح کارگران و ملوانان انقلابی، از اتومبیل های زره پوش سال انقلاب از سواره نظام معروف بودیونی، از نخستین واحد های ارتش سرخ، از واحدهای نظامی جنگ کبیر میهنی، جلوه خاص به جشن پنجاهمین سالگرد اکتبر میداد و قدرت واحد های مدرن شوروی هر بیننده ای را مطمئن مساخت که کارو خلاقیت زحمتکشان شوروی برای صلح جهانی پاسدار نیرومندی پدید آورده است.

برگزاری مراسم جشن پنجاهمین سال انقلاب اکتبر را علاوه بر مردم شوروی که خود عامل و ناظر آن بودند ده ها میلیون از مردم جهان از طریق تلويزيونها و راديوها و مطبوعات دنبال کردند و این مراسم بجاده جهان شمولی مبدل شد که حتی مطبوعات و راديوهای جهان سرمایه داری نیز توانستند بنا بعبادت همیشه گی خود در باره آن سکوت نکنند. مفسر راديو لندن گفت «من هیچ جشن رسمی بغاظر ندارم که در خارج از مرزهای کشور مربوطه علاقه ای که جشن پنجاه سالگی انقلاب اکتبر در سراسر جهان برانگیخته است برانگیخته باشد» مخر روزنامه دانمارکی «ترونی تودیلی استار» که کوچکترین مهر و محبتی به کشور شوروی ندارد نوشت «در این روز فراموش نشدنی باید خاطر نشان کرد

غرفه «ماهنامه مردم» در جشن روزنامه «اومانیته»

تم اصلی غرفه ما فقدان آزادی و خفقان در ایران و فشار بمبارزان، دستگیری، شکنجه و زندان و صدور احکام اعدام بود. این وضع با پلاکات بزرگی که در وسط غرفه نصب شده بود، نشان داده شده بود. نقاش هنرمند ایران را بصورت اردوگامی از زندانیان ترسیم کرده که در آن ملت در حالیکه خون از پیکرش جاریست به پاره کردن سیمهای خاردار مشغولست شعری از پل الوار «در باره آزادی» در زیر آن نوشته شده است. این پلاکات بصورت کارت پستال نیز چاپ شده و در اختیار تماشاچیان گذارده میشد.

در قسمت دیگر غرفه نقشه ایران ترسیم شده و در آمارهائی در باره وضع ایران، زندگی مردم و غیره ذکر شده بود. در اینجا عکسهائی از وضع زندانیان و اعدام شدگان و همچنین تظاهرات دانشجویان ایرانی در آلمان هنگام بازدید شاه از آلمان غربی، بزرگ شده و در معرض نمایش گذارده شده بود. در قسمت دیگر غرفه عکسهای بزرگ رنگی از وضع زندگی زحمتکشان روستاهای ایران نصب شده بود که کار طاقت فرسا در دهات ایران را منعکس میساخت.

قالی و قالچه های متعدد، کارهای دستی ساخت ایران، جلوه خاصی بنمایشگاه ایران داده بود.

از بلندگوی غرفه در تمام مدت آهنگ های عامیانه ایرانی پخش میشد و دستگاه پروژکتور تصاویر رنگی بناهای تاریخی و وضع زندگی مردم میهن ما را نشان میداد. عابرین و شرکت کنندگان در جشن اومانیته پس از آشنائی با واقعیت زندگی مردم ایران مراتب اعتراض خود را نسبت به فقدان آزادی و دموکراسی در ایران با امضاء ورقه اعتراض ابراز میداشتند. ورقه اعتراض را در حدود ۳ هزار نفر امضاء کردند و هیئتی از طرف حزب کمونیست فرانسه سفارت ایران در پاریس رفت و امضاها را تحویل سفارت داد.

ما از تمام رفقا و دوستانی که در تنظیم و ترتیب غرفه ایران شرکت کردند صمیمانه تشکر میکنیم و موفقیت آنها را آرزو مندیم.

که اتحاد شوروی دولت معظمی است، مردم آن کار دوستند و رهبران شایسته ای دارد. سیستم شوروی استوار از آب در آمد و کشور براه ترقی می رود، گواه بر این مدعا نه تنها میزان تولید پولاد بلکه رفاه خلق نیز هست... مردم شوروی نه تنها میتوانند بآنچه طی پنجاه سال گذشته انجام داده اند مباحث کنند بلکه میتوانند از این گذشته برای آینده الهام بگیرند.»

تردیدنی نمی توان داشت که از کامیابی های تاریخی اتحاد شوروی نه تنها مردم شوروی بلکه همه مردم زحمتکش جهان الهام میگیرند و برای نیل بهدفعهای اکتبر مبارزه میکنند. ح. فروردین

یونان پس از کودتای ۲۱ آوریل

با کودتای ۲۱ آوریل در یونان رژیم بر سر کار آمد که هدف فوری و نخستین خود را معیشت تمام آزادیهای دموکراتیک و حبس و بند تمام آزادیخواهان و عناصر دموکرات و مترقی قرار داد. این رژیم که ماهیتاً دیکتاتوری محافظ ارتجاعی افراطی یونان است با صوابدید و حمایت مستقیم متجاوزترین محافظ امپریالیسم امریکا و ناتو، تسلط خود را بر کشور تأمین نموده و متکی به انحصارات داخلی و خارجی است. اکنون دیگر بر کسی پوشیده نیست که امپریالیسم امریکا الهام بخش و سازمانده کودتاچیان یونان و گردانندگان ناتو طراحان نقشه کودتا بوده اند. واحد های نظامی که نیمه شب ۲۱ آوریل وارد عمل شدند، وابسته به نیرو های ناتو، و مجریان اصلی کودتا تعلیم یافته کان مکتب پنتاگون و سازمان مرکزی جاسوسی امریکا و مورد حمایت دربار هستند.

هدف امپریالیسم امریکا و گردانندگان بلوک تجاوزکار ناتو، از اجرای کودتای ۲۱ آوریل از نظر داخلی فشار بر جنبش پرتوان مردم یونان علیه ارتجاع و امپریالیسم تبدیل کشور به پایگاه امپریالیستها در منطقه بالکان و تبدیل هر چه بیشتر مردم زحمتکش یونان بوسیله بهره کشی انحصارات و از نظر سیاست خارجی، تحکیم بند های پیوستگی کشور به ارابه امپریالیسم و ناتو، خفه کردن جنبش دموکراتیک مردم یونان بنحوی که راه برای استقرار رژیمهای فاشیستی در برخی دیگر از کشورهای اروپائی گشوده گردد و نیز جلوگیری از تقاض و همکاری متقابل کشورهای اروپائی برای ایجاد سیستم امنیت دسته جمعی اروپاست. از هدفهای عمده الهام دهندگان کودتا، حل مسئله قبرس در چارچوب مصالح ناتو، بنحوی که این کشور صلحدوست در سیستم پایگاههای موشکی و سلاحهای هسته ای امپریالیستها قرار گیرد، در نتیجه اجرای نقشه های امپریالیسم را علیه کشورهای سوسیالیستی و جنبش دموکراتیک و ضد امپریالیستی مردم منطقه بالکان تسهیل کند.

از آنجهت که کوشش امپریالیسم طی سالهای اخیر پیوسته با مقاومت عنودانه مردم مبارز قبرس برخورد نموده، اکنون انجام این رسالت شوم بر عهده حکومت فاشیستی یونان گذارده شده تا با حمایت سازمان جاسوسی امریکا مسئله قبرس را به حل نهائی خود، بدانگونه که دلخواه گردانندگان ناتو است نزدیک کند. هم بدین علت است که اکنون بیش از هر زمان دیگر حکومت ملی قبرس را خطر یک کودتای فاشیستی تهدید میکند.

سیاست ضد ملی و متکی به بیگانه کودتاچیان بتدریج در تمام زمینه های اقتصادی و اجتماعی اثرات خود را نمایان ساخته است. دبیر اول حزب کمونیست یونان در مصاحبه با مجله پرآوا میگوید: «وابستگی کشور به امپریالیستها تشدید شده و وضع اقتصادی وخیم است. استثمار زحمتکشانش افزایش یافته و علائم خطرناک تورم نمایان شده است. بسیاری از مؤسسات بازرگانی، صنایعیدی

و کارخانجات صنعتی ورشکست شده اند.» دیکتاتوری نظامی نتوانسته است جای پای خود را محکم کند. بحران سیاسی کشور عمیق تر و مسائل مبتلی به مردم حل نشده باقی مانده است. رژیم با اکثریت مطلق مردم در تضاد قرار دارد. حتی یک حزب سیاسی هم آنرا تأیید نمیکند. دیکتاتوری فاشیستی نظامی که از نخستین روز حیات خود، مورد انزجار مردم آزادی دوست یونان بود، با تأثیرات منفی سیاست داخلی و خارجی خود هر روز مردم را بری تر میسازد. مبارزه مردم علیه رژیم، علیرغم تمام عوامفریبی هایش روز بروز شدید تر، مشککتر و دامنه دار تر میشود. گروه نظامی متکی بدمبار در برابر مقاومت عمومی از خود بیتابی نشان میدهد و هر روز بر درجه فشار و اختناق میافزاید.

تشدید ترور فاشیستی با آنکه در درجه اول علیه کمونیستهاست، اما نمایندگان سایر احزاب دموکراتیک، افسران عالی رتبه، ژنرال های بازنشسته و حتی رهبران و کادر های سازمانهای راست را در بر میگیرد. تاکنون مجموعاً ۲۷۹ سازمان سیاسی و اتحادیه صنفی از فعالیت منعم شده اند. جزیره «یورا» که به جزیره مرگ معروف شده، هزارها زندانی را در بدترین شرایط در خود جای داده است. از زندانیان این جزیره بیش از ۲ هزار نفر بیمار شده اند و بسیاری از آنان و از جمله قهرمان مشهور «مانولیس گنزوس» اثر شکنجه های وحشتناک بر بدن دارند. در میان زندانیان این جزیره هزارها زندانی جزیره «ماکرونوس» گاه تمام افراد خانواده، زن و شوهر و اطفال کوچک و بزرگ دیده میشوند. از میان زندانیان زن جزیره «یورا» بسیاری از مادران، همراه با کودکان خردسال خود به چندین سال زندان محکومیت یافته اند. زندانیان این اردوگاهها، گرسنگی، تشنگی، بیماری و شکنجه های غیر انسانی را تحمل میکنند. بسیاری از مین پرستان یونان کشته شده اند و از سرنوشت بسیاری دیگر اطلاعی در دست نیست. رژیم دیکتاتوری با مین پرستان یونانی در خفا تصفیه حساب میکند.

در دوران پس از کودتا، حتی استقلال کلیسا هم از بین رفته و روحانیونی که پیوند نزدیک با دربار دارند در رأس کلیسا گمارده شده اند. هر روز روزنامه های خارجی، محصول کار دادگاههای نظامی یعنی صدور احکام مرگ، زندانهای دراز مدت و اعزام دسته جمعی مردم مین پرست به اردوگاهها را در صفحات خود درج میکنند. کوچکترین مخالفت با رژیم و رقیق ترین تبلیغ مین پرستانه با محکومیتهای سنگین پاسخ داده میشود. اما مردم یونان مصمم بمبارزه اند و تا تأمین تکامل دموکراتیک کشور از پای نخواهند نشست.

در رأس مبارزه کمونیست ها پیشاهنگان مبارزه ضد امپریالیستی، ضد دیکتاتوری،

کمونیستهای یونان قرار دارند. حزب کمونیست از اعضاء خود خواسته است که: «در این آزمایش جدید در صف نخستین مبارزه قرار گیرند و تمام نیروی خود را بکار برند تا بار دیگر نمونه های قهرمانی، دیسیپلین، ابتکار و فعالیت را عرضه کنند.» ملت یونان که از ضربه غافلگیرکننده کودتای ۲۱ آوریل بخود آمده است، هر روز مقاومت شدید تر و متشککتری از خود نشان میدهد. کمونیست های یونان میکوشند تا کلیه نیروهای دموکراتیک، احزاب، گروهها و شخصتهای ملی را به لزوم وحدت عمل در برابر دیکتاتوری متقاعد سازند.

برنامه ای که حزب کمونیست برای عمل مشترک سازمانهای چپ، مرکز و راست پیشنهاد کرده، برنامه حد اقل است. حزب کمونیست، دانسته از طرح مسائلی که بنحوی مانع از تجمع نیروها شود احتراز جسته است. مثلاً حزب کمونیست یونان برای دربار شاه در حوادث قبل و بعد از کودتا مسئولیت سنگین قائل است. در قطعنامه پلنوم ژوئن گفته میشود: «سیاست ضد دموکراتیک و فعالیتهای دربار شاه که تکیه گاه ارتجاع در دوران قبل و بعد از ۱۵ ژوئیه ۱۹۶۵ بوده است راه را برای ایجاد دیکتاتوری نظامی هموار نمود.» با این وجود در برنامه پیشنهادی حزب از طرح مسئله سلطنت خود داری شده بداند منظور که وحدت نیروها برای نیل به هدف عمده که مبارزه با دیکتاتوری است تأمین شود. در قطعنامه پلنوم چنین گفته شده است: «البته مسائل جدی دیگر و از جمله تجدید نظر در قانون اساسی و مسئله سلطنت نیز وجود دارد، ولی حزب کمونیست یونان معتقد است که برخورد مختلف احزاب و سازمانها باین مسائل نباید مانع وحدت عمل نیرو های ضد دیکتاتوری شود.»

برنامه پیشنهادی حزب کمونیست بسایر نیرو های ایوژنسیون عبارتست از: سرنگونی رژیم دیکتاتوری، احیاء قانون اساسی و آزادیهای دموکراتیک، فعالیت آزاد کلیه احزاب و سازمانها، آزادی کلیه زندانیان سیاسی، انحلال «خونتا» (گروه هم بسته افسران ارشد مترجم) اعلام عفو عمومی سیاسی و آزادی انتخابات است.

قدرت رژیم فاشیستی هر چند گروه متزلزل است نظامی ها از جانب پشتیبانان خارجی خود حمایت میشوند، اما قدرت آنان متزلزل است. مردم آزاده یونان که سنت دیرین و درخشان مبارزه در راه آزادی و دموکراسی دارند، حاضر به تسلیم در برابر دیکتاتوری نیستند. افکار عمومی جهان و بخصوص اروپا، رژیم فاشیستی را تأیید نمیکند. برخی از کشورهای اروپائی رژیم فاشیستی یونان را بمنزله زنگ خطر برای خود تلقی نموده و این کودتا را بعنوان «جدی ترین کودتای فاشیستی اروپا در دوران پس از دومین جنگ جهانی» ارزیابی نموده اند. افکار عمومی جهان، چنان از کودتا ناراضی است که حتی کشورهای عضو ناتو مخالفت خود را با کودتای یونان ابراز داشته اند.

بین گروه نظامی و دربار سلطنتی و نیز در میان خود کودتاچیان اختلاف نظر پدیدار شده، بین نیروهای امپریالیستی که مستقیم و غیر مستقیم، رژیم کنونی را حمایت میکنند تناقض وجود دارد، عدم ثبات اقتصادی ومشکلات بسیاری دیگر در زمینه های گوناگون موجب تشدید این تضادها و تنزل بیشتر رژیم دیکتاتوری است.

گروه نظامی ها و شاه سعی دارند خصلت خویش را پنهان نگاهدارند و برای فریب افکار عمومی جهان، وعده قانون اساسی جدید و برگشت به پارلمانتاریسم داده شده است. قطعنامه پلنوم یازدهم کمیته مرکزی حزب کمونیست یونان میگوید: «قانون اساسی جدید چیزی جز منشور دیکتاتوری فاشیستی نخواهد بود. این مانور خطرناک باید هر چه بیشتر افشا گردد.»

سیاست حزب کمونیست یونان و سایر نیروهای چپ پیوسته در میان مردم نفوذ بیشتری کسب میکند. احزاب دموکراتیک تجدید سازمان میکنند. نخستین گامها برای ایجاد کمیته هائی که هسته های جنبه ضد دیکتاتوری هستند برداشته شده است. در شهر آتن جنبه میهنی مرکز از نمایندگان چپ، مرکز و راست مبارزه علیه دیکتاتوری را رهبری میکنند.

انتقاد از خود و مرزبندی مسئولیتها

یازدهمین پلنوم کمیته مرکزی حزب کمونیست یونان به تحلیل وضع کشور در دوران قبل و بعد از کودتای ۲۱ آوریل پرداخته و بمثابة یک حزب جدی سیاسی سهم خود و سایر نیروها را در پیش آمد جدید مرزبندی نموده است. پلنوم موضع «ضد وحدت» رهبری اتحاد مرکز (حزب پاپاندرو) سازش آنرا با راستها و خصلت ضد کمونیستی این حزب، ترس وی را از جنبش خلق، خود داری وی را از تصفیه ارتش، ارگانهای امنیتی و دستگاه اداری از عناصر مترجم، خود داری وی را از تصفیه کنفدراسیون عمومی کار و سازمانهای کارگری از عوامل انحصارات و سرانجام استعفای دولت اتحاد مرکز را در ژوئیه ۱۹۶۵ — هنگامیکه ارتجاع حملات خود را تشدید کرده بود —

و نیز سازش حزب اتحاد مرکز را در سالهای ۶۷ - ۱۹۶۶ با راستها که موجب سستی وحدت نیروهای دموکراتیک و تسهیل اجرای نقشه های مترجمین شد انتقاد میکند. حزب مسئولیت تاریخی شکست وحدت نیروها را بر عهده رهبری «اتحاد مرکز» میداند. پلنوم همچنین حزب کمونیست و ائتلاف چپ یعنی «ادا» را در ایجاد وضع جدید، دارای اشتباهات و ضعف های جدی دانسته و چنین میگوید: «بوروی سیاسی حزب کمونیست به برخی پدیده های جدید مانند علاقه شدید امپریالیستها به پیشبرد نقشه های استراتژیک خود در یونان، درک بحران ناتو، بستگی روز افزون ارتش یونان بامپریالیستها و افزایش نقش نظامها توجه کافی نکرد.» با آنکه ارزیابی حزب از بحران ژوئیه ۱۹۶۵

اخبار و شایعات

برخی از خوانندگان علاقمند ماهنامه «مردم» اخبار و شایعات جالبی را که شنیده‌اند برای ما ارسال می‌دارند. ماهنامه «مردم» برای انعکاس وضع کشور و قضاوت مردم از این پس این نوع اخبار و شایعات واصله را در صفحات خود درج خواهد کرد.

چندی پیش تعدادی از قضات عالی‌رتبه دادگستری را بازنشسته کردند. این کار موجب نارضایتی آنها را فراهم آورد و جلسات متعددی از طرف قضات تشکیل شد. علت بازنشسته کردن و استعفا و اختلاف است که ساواک در دادگستری دخالت میکند و میخواهد سبج امنیتی برای قضات درست کند و همینطور دخالت ساواک و دادگاههای نظامی در امور دادگستری است بعنوان اینکه در دادگستری قاضی توده ای زیاد است دادرسی ارتش هر پرونده ای را خواست در اختیار خود می‌گیرد و بداد گستری نمیدهد حتی پرونده القایان معروف جعل کننده چکهای تضمینی را نیز بدادرسی ارتش دادند، شهربانی با اینکه خودش ضابط دادگستری است ولی با ساواک همکاری میکند ولی ساواک باینهم راضی نیست و میخواهد بکلی دست شهربانی را از دادگستری کوتاه کند و ایجاد سبجهای امنیتی میدان را از دست شهربانی خارج و در اختیار ساواک خواهد گذاشت.

با آنکه در خاور میانه بعد از حمله اسرائیل بکشورهای عربی، مردم ایران جانب اعراب را نگهداشتند و دولت هم ظاهراً با اعراب بود، ولی هنوز هم در تهران فرستادگان دولت اسرائیل در سازمانهای کشاورزی ایران فعالیت میکنند و در قبال تنفر مردم و خطرات احتمالی مقامات غیرمسئول بآنها تضمین داده اند، سعید حلمی یکی از نمایندگان کمیتههای انگلیسی مبلغ یکمیلیون دلار به اسرائیل کمک کرده است، دولت اجازه داده که داوطلبان ایرانی برای کمک به اسرائیل بآنجا بروند و یکسال در برطرف کردن خسارات ناشی از جنگ کار کنند.

تنفر مردم نسبت بامریکائتها روز بروز بیشتر میشود، مطبوعات علناً علیه جنگ امریکا مقاله مینویسند و بامریکا حمله میکنند، تنفر در مجلههاییکه امریکائتها کار میکنند بیشتر است. حالا امریکائتها در گرفتن خانه برای سکونت بهمه شهر نمیروند و جاهای خاصی را انتخاب میکنند، جاهاییکه «سیا» امن و خالی از خطر اعلام میکنند.

قرار شده که طی پیشنهاد دکتر صالح و دکتر اسمعیل بیگی رئیس دانشگاه مشهد برونه دانشجویان و خانواده آنها توسط ساواک مورد بررسی قرار گیرد، این دوتن میخواهند مسئولیت وقایع آینده را بر عهده ساواک بیاندازند.

دکتر بوشهری شوهر اشرف قطعات مختلف آنتیک را بدون گمرک وارد

ایران کرده تا مؤسسات دولتی بخزند و بشاه هدیه نمایند.

مبارزه اشرف و فرح شدت یافته است، تا جایی که اشرف توانست در مجلس مؤسسان ماده پیشنهادی مربوط به نایب‌السلطنه را تغییر شکل دهد و باین صورت در آمد که شاه میتواند هر کس را که صلاح بداند به نایب‌السلطنه منصوب نماید. یعنی این اصل که نایب‌السلطنه حتماً باید مادر ولیعهد باشد تغییر یافت.

زیر فشار ساواک تمام وزارتخانه‌ها مجبورند از محل بودجه اداری خود و عدم پرداخت اضافه حقوق کارمندان و غیره هدایایی برای شاه بخزند.

پانها با تقویت از طرف شاه میخواهند فعالیت خود را در لرستان، خوزستان و کردستان شدت دهند. میگویند دیگر شیر و خورشید سرخ و سازمان پیشاهنگی نمیتواند نسل جوان را که سرکش شده مهار کند، ولی پانها با لباسهای خاص، بازو بند و سوت و شیپور و مراسم سوگند در زیر زمینهای تاریک میتوانند جوانان را متشکل کنند تا بفتح شاهنشاه ایران زمین فعالیت نمایند.

کارگران در شرکت شیلات جنوب وضع بسیار بدی دارند، ساعت کار نامحدود است یعنی هر وقت کار باشد باید از صبح تا شب کار کنند، غذای کارگران کمی حیوانات پخته است، از بهداشت خبری نیست.

چندی قبل کارگری که در شب روی عرشه کشتی کار میکرد توی انبار مافند و میمیرد، پزشک قانونی از تهران میاید و قضیه را ماست مالی میکنند. — میگویند مرگ در اثر غفلت خودش بوده و کسی مقصر نیست !!

القائیان صاحب کارخانه پلاسکو و دهها کارخانه و مؤسسات دیگر از دو سال پیش مشغول چاپ چکهای تضمینی بود، کارخانه پلاسکو ضرر کرده بود و او هم ماشین چاپی مخصوص چاپ چک را وارد ایران کرد و مشغول کار شد، یکسال پیش او دستگاه خود را جمع کرد و دستور داد ماشین را پیاده کنند، ولی برادر او بطمع افتاد که چند میلیون هم برای خودش چاپ کند، پنج میلیون چاپ کرد و هنگام خرج کردن آن گیر افتاد. شهربانی که دست اندر کار بود مدتها پرونده را خواباند و بالاخره راه حلی پیدا کرد و گفت اینها در چاپخانه مظاهری چک چاپ میکردند و سابق توده ای داشتند. حتی در اطلاعات هوایی اسم برادر القائیان را طوری نوشتند که شناخته نشود و القائیان که دویت میلیون تومان سود برده بود عروسی دوست و پنجاه هزار تومانی راه انداخت و بدینترتیب نشان داد که ورشکست نشده و ثانیاً صاحب هتل ونک را نیز با خود همراه کرد، ولی همه میدانند که چاپخانه قدیمی مظاهری نمیتواند

دنباله از صفحه ۳

یونان پس از کودتای ۲۱ آوریل

یونان صحیح بوده ولی در ارزیابی فاکتهائی که دلالت بر تحکیم مواضع ارتجاع داشته دچار اشتباه شده است. حزب به تشدید تضاد بین «اتحاد مرکز» و راستها که در نتیجه مقاومت مردم بروز نمود توجه ننموده و از درک این مطلب که کوشش مرتجعین برای متکی ساختن سیاست خود به سازش «اتحاد مرکز» و راستها دچار شکست شده، عاجز مانده است. هر چند حزب خطر بروز کودتای فاشیستی را دائماً گوشزد کرده ولی عملاً این خطر را ناچیز گرفته و خود را برای مواجهه با خطر کودتای انتخاباتی آماده نموده است.

اسناد پلنوم اشتباهات حزب را در دوران قبل از کودتا اشتباهات راست ارزیابی نموده و چنین منویسند: «همراه با ضعفها قصور و اشتباهات راست؛ حزب در برخورد مسائل دچار کوبه بینی شد که بدون شک در مبارزه برای وحدت دموکراتیک اثر گذارد. فقدان آمادگی ایدئولوژیک سازمانی و فنی، بخصوص برای اقدام و عمل در شرایط جدید از موارد دیگری است که حزب از خود انتقاد نموده است. قطعنامه پلنوم چنین میگوید: «پیدایش این توهم در صفوف ما که وضع کم و بیش عادی تکامل مییابد، آمادگی ایدئولوژیک، سازمانی و سیاسی حزب و مردم را برای مبارزه با خطر دیکتاتوری دشوار نمود.» در قطعنامه گفته میشود: «غفلت جدی حزب عدم توجه بارتش است که هیچ فعالیتی در صفوف آن انجام نگرفت.»

پلنوم مسئولیت بزرگ این غفلت ها، قصور و اشتباهات را متوجه بوروی سیاسی

حزب، دبیرخانه حزب و مجموعه کمیته مرکزی میداند.

تجدید سازمان حزب، تجدید سازمان (ادا) و سایر سازمانهای ملی بعنوان اولین وظیفه اعضاء حزب قلمداد شده است. از تمام کمونیستهای یونان دعوت شده که به تجدید شکل نیروهای چپ کمک کنند. در مورد انتخاب شکل مبارزه برای سرنگونی حکومت دیکتاتوری، دبیر اول حزب کمونیست یونان در مصاحبه با روزنامه «پراودا» میگوید: «در اینکه بچه طریق و از چه راه حکومت دیکتاتوری باید سرنگون گردد، عقاید گوناگون وجود دارد. ما معتقدیم که از پیش نمیتوان این یا آن شکل مبارزه را بعنوان شکل قطعی معین نمود. تمام اشکال مبارزه را باید بدون استثناء، از ساده ترین تا بفرنج ترین شکل بر حسب موقعیت خاص خود بکار برد. حزب کمونیست یونان در هشتمین کنگره خود تأکید نموده بود که: (در شرایط مشخص می بایست راههای غیر مسالمت آمیز مبارزه را نیز در نظر داشت) و این اصل، طبعاً در شرایط کنونی نیز دارای اعتبار است.»

پاسخ کمیته مرکزی حزب کمونیست ونزوئلا به نامه حزب ما

رفقای عزیز! نامه شما که در آن ما را از فعالیت همبستگی خود برای آزادی ادوارد و ماخادو (عضو پولیت بوروی کمیته مرکزی حزب کمونیست ونزوئلا. توضیح ما) آگاه ساخته اید هیجان عمیق در ما برانگیخت. رفیق ماخادو که ۲ نوامبر آینده شصت و پنجمین سال عمر را پشت سر خواهد گذاشت چنانچه چهار سال دیگر هم در زندان بماند به هفتادمین سال زندگی خود که سرابای آن وقف مبارزه انقلابی در صفوف حزب کمونیست شده است، خواهد رسید.

ابراز وفاداری بانترناسیونالیسم پرولتری از طرف حزب شما که در شرایط دشوار موجود در کشور به مبارزه خود ادامه میدهد در همه ما تأثیر عمیق بخشید. شرکت پرشور رادیوی پیک ایران در این ابراز همبستگی مزید تشکرات برادرانه ماست.

رفقای عزیز! مراتب سپاس ما را بمناسبت اقداماتی که انجام داده اید بیدرید. ما بنام رفیق ماخادو و مطبوعات سیاسی توده ای ونزوئلا، بنام کمیته مرکزی و تمام فعالین حزب ما از شما سپاسگزاریم و اعتقاد عمیق داریم که مبارزه قهرمانانه طولانی میهن پرستان ایرانی علیه امپریالیسم و ارتجاع مبارزه خود ما نیز هست.

با دروهای برادرانه کمیته مرکزی حزب کمونیست ونزوئلا

شعله جنوب انتشار یافت

شماره مرداد ماه ۱۳۴۶ «شعله جنوب» ارگان تشکیلات جنوب حزب توده ایران انتشار یافت. در سر مقاله این شماره تحت عنوان «دستبرد جدید سازمان جاسوسی امنیت بحزب قهرمان و استعمار شکن ما» چنین نوشته شده است: «باز هم مقامات باصطلاح انتظامی به چاپخانه دیگری از حزب ما یورش برد و این حادثه را بهمانه یک پیروزی بزرگ با آب و تاب زیاد و عکس و تفصیلات فراوان در روزنامه های مختلف ولی با مضمون مشترک که از طرف سازمان امنیت دیده شده بود منعکس ساختند. این اولین بار نیست که چاپخانه مجهزی از حزب ما مورد هجوم قرار میگیرد. حزب ما بهمانه تنها حزب انقلابی طبقه کارگر ایران راه پر افتخار خود را با همه مخاطرات، قهرمانانه ادامه میدهد. انتشار خبر کشف چاپخانه مخفی حزب ما خود سند محکومیت رژیم و سند آشکار فقدان دموکراسی و اقرار بوجود رژیم پلیسی در مین ما است. مقاله دیگر این شماره درباره جنگ ۶ روزه اسرائیل با کشور های عربی است که تحت عنوان «تحریر و تجاوز امپریالیستی در خاور میانه» انتشار یافته است. در مقاله چنین گفته میشود: «تهاجم اسرائیل به کشورهای عربی که با کمک آشکار امپریالیستهای امریکائی و انگلیسی صورت گرفت جنبش رهائی بخش خلقهای خاورمیانه را وارد مرحله جدیدی نموده است.» سپس مقاله به نقش زمامداران ایران در این زمینه اشاره نموده و چنین ادامه میدهد: «زمامداران کشور ما علاوه با اقدامات و تبلیغات خود از اسرائیل و حامیان امپریالیستی آن حمایت نمودند و نه تنها خود به کمک کشورهای عربی نشناختند بلکه مانع از آن شدند که مردم مین ما با تظاهرات خیابانی، با انتشار اعلامیهها با ارسال تلگرافها، تجاوز اسرائیل و حامیان استعماری وی را محکوم سازند.» در این شماره «شعله جنوب» اخباری از مناطق نفت خیز جنوب انتشار یافته که از جمله اضافه تولید نفت منطقه آغا جاری در جریان تجاوز اسرائیل به کشورهای عربی است که روزانه بمیزان ۲۵۰۰۰ بشکه بالغ بوده است. این اضافه تولید بمنظور کمک به امپریالیستها در قبال قطع جریان نفت در کشورهای عربی صورت گرفته است.

ما خرسندیم که «شعله جنوب» ارگان تشکیلات جنوب حزب توده ایران علی رغم رژیم ترور و اختناق به انتشار خود ادامه میدهد و گواہ بر آنستکه که مبارزان حزب ما کماکان از پای نمی نشینند و به سوگند خود در قبال مردم یعنی سوگند ادامه مبارزه علیه رژیم ضد ملی و ضد دموکراتیک وفادارند. ما بر قنای تشکیلات جنوب که در شرایط ترور و وحشت سازمان جاسوسی امنیت و دیگر سازمانهای پلیسی، شعله آزادی و مبارزه را فیروزان نگاه میدارند، بدرد مفروستیم و ادامه توفیق آنها را در کار افتخار آمیزشان آرزو مندیم.

دنباله از صفحه ۱

سخنرانی رفیق عبدالصمد کامبخش

قبل از انقلاب اکثر ایران تحت مکتبه دو امپریالیسم تزاری و انگلیسی قرار داشت. در سال ۱۹۰۷ روسیه تزاری و انگلستان کشور ما را به مناطق نفوذ تقسیم کرده بودند و فقط بخش مرکزی آن بعنوان منطقه «بیطرف» باقی مانده بود. در جنگ اول جهانی که لندن آنرا جنگ میان دو گروه غارتگر برای غارت های جدید و تجدید تقسیم غارت های قبلی توصیف کرده است روسیه تزاری سخاوت بخرج داد و بخش «بیطرف» را نیز به انگلستان واگذار کرد و در عوض آن بموجب قرار داد سری آهوی نا گرفته بدشت یعنی داردانل را دریافت داشت. به کشور ما و امها و قرار داد های اسارت بار تحویل گردید. کمراکات ما تحت کنترل امپریالیستها بود. خلاصه ایران تقریباً به مستعمره کامل بدل شده بود.

ما در چنین وضعی قرار داشتیم که انقلاب کبیر سوسیالیستی اکثر روی داد. یکی از نخستین اقدامات حکومت جوان شوروی افشاء و الغاء تمام قرار داد های سری نا برابر بود. حکومت شوروی تمام دارائی روسیه را در ایران بلا عوض به ایران واگذار کرد و رژیم کاپیتولاسیون را ملغی اعلام نمود. و اما اگر از دورنمایی که در برابر کشور ما گشوده شد چنانکه باید و شاید استفاده نشد گناه آن فقط به گردن محافل حاکمه ارتجاعی ایران است.

انقلاب اکثر به جنبش آزادبخش کشور ما تکان نیرومند داد. جنبش انقلابی قبل از همه استانهای شمالی ایران یعنی آذربایجان و گیلان را در بر گرفت. در گیلان جمهوری اعلام شد و خود را جمهوری شوروی نامید. در سال ۱۹۲۰ حزب کمونیست ایران تشکیل شد. با آنکه جنبش انقلابی سرکوب شد حزب کمونیست به حیات و مبارزه خود ادامه داد. حزب توده ایران وارث بالاستحقاق حزب کمونیست ایران است که در شرایط مساعد تر یعنی در دوران جنگ دوم جهانی و بیکار قهرمانانه مردم شوروی پدید آمد. تحت رهبری حزب توده جنبش دامنه وسیعی بخود گرفت و در سراسر کشور بسط یافت. ارتجاع ایران بکمک امپریالیستهای امریکا حزب ما را مجدداً به اختفاء عمیق واداشت. مبارزه ما اکنون در شرایط دشوار انجام میگیرد. فعالیت انشعابگرانه گروه مائوتسه دون دشواری وضع ما را بیشتر کرده است. ولی ما از این دشواری ها باک نداریم. ما مبارزه خود را در راه آزادی مردم خود و تأمین وحدت صفوف جنبش جهانی کمونیستی که ضامن پیروزی ما است ادامه خواهیم داد.

رفیق کامبخش در دنباله سخنرانی خود گفت: طبقه کارگر روسیه در سال ۱۹۱۷ شعار «صلح برای کلبه ها و جنگ علیه کاخ ها» را اعلام کرده بود. طبقه کارگر تحت رهبری حزب خود و لندن بزرگ پیروز شد. کشور شما طی ۵۰ سال چنان تعبیری

دنباله از صفحه ۱

یک نمایش خنده آور

روزهای زندگی اعلیحضرت شدند و تهران را گل باران کردند. دربار از ماهها پیش در تب و تاب بود. گویا کالسکه های طلائی سلطنتی و ماشین لیموزین مزین به طلا برای بردن شاه، نایب السلطنه و ولیعهد بکاخ گلستان کافی نبود بدینجهت کالسکه طلای دیگری بهای ۸۰۰۰۰۰۰ مارک از اتریش خریداری شد. تابعور از خیابانهای تهران کاملاً چشمگیر باشد. با صرف مبالغ زیاد «بورلی یک» طراح انگلیسی باسران آمد تا باغچه های کاخ گلستان را طراحی کند. شرکت آلمانی «کلاس موگ» مأمور آتش بازی تهران شد و ۵۰۰۰۰۰ راکت باسماق فرستاد. شرکت دیگر آلمانی «زیماک» مأمور آذین بندی شهر گردید. ارز کشور بخارج رفت و ۷۰۰ تن پولاد، ۳۰۰ کیلومتر سیم تلگراف ۳ میلیون لامپ، میلیونها شاخه گیل و هزاران اشیاء متنوع دیگر از خارج وارد شد. هزارها پایه برق، یک میلیون پرچم سه رنگ، مشعلها، دکها، ستونها، دیسکاها، طرحهای پلاستیکی و آلومینیومی، ۵۲۰۰۰۰ طاق نصرت، ۲۷۰ ستون یاد بود، صدها میدان جدید، تهران را آراستند. کلبه ها تاریک ماندند تا تهران نورباران شود. مخبر کیهان نوشت: «یک کودک محصل برفیق همسالش گفت: «دلیم نمیدانم تا صبح بخونه برگردم، خوبه همیشه تاجگذاری باشه» کودکانی که در زندگانی کوتاه خود، شب را با سوسوی چراغهای نفتی آغاز کرده اند، میخواستند یک شب هم که باشد، در پناه انوار خیره کننده چراغهای ۱۲ هزار تومانی خیابانهای شمالی تهران، خانه سرگرفته، سفره بزرگ، و بو، و محیط غم زده خویش را فراموش نموده و به پیروی از اعلیحضرتین» کودکان شادی کنند.

آتشی که میبایست کلبه دهقانان را گرم کند، در قتل گوهها افروخته شد و دام کاری دهقان، بدستور ژاندارم در مدخل ده قربانی گردید، دهقانانی که طلا را جز بر گردن و دست زن ارباب بیاد نداشتند، مجبور به پیشکش «لوحه زرین» شدند. «کاروانهای شادی» که از شمال بجنوب و از شرق بغرب راه افتادند، خاطره حاجی فیروزهای خودمانی را بیاد میآوردند که در طلب یک لقمه نان، با دل خونین از اندوه فقر و نیستی، صحنه های طرب و شادی میآفرینند و بر لبها خنده می نشانند. اینها نیز گزیری جز اجرای فرمان نداشتند.

برای تهیه لباس فرح دنیا، نماینده کریستیان دیور مقیم تهران شد و همراه باسی نفر دیگر روزانه ۱۶ ساعت بر پارچه های زربفت، دانه های الماس و زمرد و یاقوت

کرده است که نسل کنونی فقط از روی گفته دیگران میدانند که آن کلبه ها و فقر توده ها و استثمار سرمایه داران و تازیانه های ملاکان وجود داشته است. ولی در کشورهایی چون کشور ما

دنباله در صفحه ۶

نشانند. «پیراریل» جواهر ساز مشهور فرانسوی، برای نظارت بر نصب جواهرات تاج فرح، ۲۴ بار از پاریس به تهران آمد و بازگشت. بر این تاج گوهر نشان، یک زمرد ۱۵۰۰ قیراطی، ۲ زمرد ۱۰۰ قیراطی، ۳۶ یاقوت، ۱۰۵ مروارید، ۴۹۹ قطعه الماس و ۹۷۰ دانه برلیان نشانند و با وجود این شکوه و جلال سرسام آور فرح دنیا سالوسانه ادعا نمود که: «من همیشه کوشیده ام رفتار طبیعی و انسانی داشته باشم، ملکه بازی نکم و در میان مردم با تشریفات ظاهر نشوم». شماره گوهر های تاج پهلوی که بر فرق کج اندیش شاه نهاده شد، کمربند زرین شمشیر و گرز سلطنتی اعجاب انگیز است. تهیه اینهمه «اسباب بزرگی» که روزگاری هوس تاجگذاری دیکتاتور کبیر را سیراب نمود، این بار میبایست عطش جباه پرستی پسر را فرو نشانند.

از صحنه های جالب این خیمه شب بازی تمرین مراسم تاجگذاری بود. اطلاعات نوشت که از چند هفته قبل، شاه و فرح و رضا، هر روز بکاخ گلستان میروند و مراسم تاجگذاری را با دقت «تمرین» میکنند. خنده آور و در عین حال تأسف انگیز است که در قرن بیستم، قرن معجزات علم ودانش، قرن تسخیر فضا، موجوداتی حقیر با شاه وزوزک بازی، مواهب یک کشور زرخیز را بیای هوسهای خود بریزند، در برابر دوربین عکاسان چپ و راست روند، گردن بگیرند و فخر بفروشند. بیجهت نیست که تعداد کثیری خبرنگاران خارجی که بقول اطلاعات «در هیچک از مراسم بزرگی که در جهان اتفاق افتاده باین اندازه در آن شرکت نجهت اند.» برای تماشای این مراسم حیرت انگیز سر و دست شکستند. اگر احیاناً در دور افتاده ترین نقاط گیتی مراسم آدمخواری هم به نمایش گذارده میشد، مسلماً خبرنگاران با همین عجله بتماشای آن میآمدند. بهمین دلیل است که حتی روزنامه ای مانند «هرالد تریبون» می نویسد: «تشریفات تاجگذاری مانند یک نمایش خوب از آغاز تا پایان بیش از نیمساعت طول نکشد».

میلیونها پولی که در این رهگذر برای هرچه پرشکوه تر جلوه دادن این خیمه شب بازی بهدر رفت، خشم مردم را بعد اعلی برانگیخت. با توجه باین عدم رضایت عمومی و فریب مردم است که فرح مزورانه در خاطرات خود مینویسد: «شکوه و جلال این تاجگذاری در واقع از آن ملت ایران بود» ولی حقیقت جز این است. مردم با این مسخره بازیها کمترین موافقتی ندارند، استبداد و تفرعن سلطنت را پدیده ای متروک و قرون وسطائی، هیئت حاکمه و بر رأس آن شاه و دربار را سربازی ننگین بر دوش جامعه و سرابای این حرکات را توهین بخویش تلقی میکنند.

شاه مدعی است که با بر سر گذاشتن تاج سلطنت، خود را بیشتر از همیشه در کنار مردم حس میکند. اما حتی تار پوسیده ای هم شاه و مردم را بهم پیوند نمینهد. راه مردم از راه شاهان وامبران جداست. مینو

تاج نامه

ای خردمند عاقل دانا
 قصه تاج نامه منظوم
 از قضای فلک ستمکاری
 شکمش طبل و سینه اش چوسپر
 بعد يك ربع قرن غارت و ظلم
 بر سر خود نهاد تاج کبان
 اندرین عصر موشک او بر تخت
 خطبه خواند از عدالت و انصاف
 «مژدگانی که گربه عابد شد
 مستبد دم از انقلاب زند
 «انقلاب تقلبی» الحق
 لاف هایی براه افتاده است
 «شاه ما در همه امور و علوم
 رونق پارلمان ما شده است
 بهر تقلید کار ما آیند
 ليک علیرغم این دعای لوس
 در سخن از سوئد فتاده جلو
 گر ترا اندرین بود شکی
 وضع آن قوم را ببین که بود
 آن شیدم که گفت بر سر تخت
 چونکه بر تخت مرمرین شاهان
 تا نیامد جناب عزرائیل
 «دو بدین چنگ و دو بدان چنگال
 فرح پهلوی در آمد و گفت :
 من بتو داده ام سه تن فرزند
 تو بمن در عوض عطا کردی
 اشرف پهلوی چو این بشنید
 گفت از مسندت کنم اردنگ
 تخت طاووس حق شهرام است
 *
 جملگی غافلند از ملت
 روزی آید که او کند اردنگ
 وین شغالان شوم گربه صفت
 میشود موزه ای برای عموم
 تو تصور مکن که خاموش است
 گر بکوشیم و متحد گردیم
 انقلاب حقیقی ایران
 نوبت رزم و افتخار شماست

قصه «تاج نامه» بر خوانا
 دستبرد از عید زاکانا
 بود چون ازدها به ایرانا
 شیر دم و پلنگ چنگانا
 هوس تاج کرد سلطانا
 خویش را خواند شاه شاهانا
 جا گزین شد چو شاه موشانا
 قاتل آنهمه جوانانا
 عابد و زاهد و مسلمانا
 اینکه «رو» نیست، هست انبانا
 شاهکاری بود به دورانا
 که از آن عقل گشته حیرانا؛
 هست آموزگار انسانا
 مایه رشک انگلستانا
 از تمام جهان به تهرانا
 وطن ماست ملک ویرانا
 در عمل همردیف بوشمانا
 سرکشی کن بخاک کرمانا
 ملخش گوشت و علف نانا
 آریا مهر با هویدانا
 چند روزی بوند مهمانا
 خوش چپاول کنیم ایرانا
 یک بدنجان چو شیر غرانا
 جان من مر ترا بقرنانا
 «هر یکی کدخدا و دهقان»
 تاج سنگینی از برلیانا
 از غضب شد چو بید لرزانا
 گر برادر رود ز میدانا
 نه حق زاد و رود دیوانا
 صاحب کل خاک ایرانا
 تاجداران و زور گوینا
 می گریزند همچو موشانا
 کاخ پر شوکت گلستانا
 بیشه ماست پر ز شیرانا
 ورنه بیچیم سر ز پیمانا
 میدرخشد چو مهر رخشانا
 هان ، بجیند پهلوانان!

زندگی طی شد، حماسه باقی است

زنجیر های ارتش بولیوی ، مأمورین
 «سیا» ، «بیره سبزهای» امریکائی ،
 عمال «اف.ب.ار» - همه و همه از هر
 سو شتافتند تا مرده ارستو ج. گوارا را
 انگشت نگاری کنند و به هویت «دشمن
 شماره يك» خود ، این «نخستین همشهری
 جهان سوم» ، مطمئن کردند .
 ولی «ژنرال اواندو» که خود در
 قتل گوارا ذمیدخل بود با اطمینان سخن
 می گفت . علت روشن است . چنانکه مخبر
 روزنامه مطلع «تایمز» لندن پائول منتگمری
 مینویسد : «گوارا با زخمهای خفیفی اسیر
 شد . پس از آنکه دشمن نسبت به هویت او
 مطمئن گردید با گلوله ای که در قبش جاداد
 او را از پای در آورد . نام قاتل فرومابه
 ارستو گوارا در جراید بورژوائی امریکا
 سرهنگ پرادو ثبت شده است . برای ارستو
 گوارا نه این پایان ، نه این روش سبانه دشمن
 بهیچوجه غیر منتظره نبود . او چندی پیش در
 نامه ای که در مجله «مارشا دومونته وبنده تو»
 درج شد بود چنین نوشت : «انقلابی ، در آن
 تلاشی که پایانش مرگ اوست ، مانند شمع
 خود را فرو میسوزاند . فداکاری او بهای
 آن آزادی است که بر پا میدارد .»

در آن ایام که هنوز شایعه قتل گوارا
 مسلم نشده بود ، یکی از دشمنان او ، سردبیر
 يك روزنامه معروف بورژوائی آقای س.ل .
 سولتنس برگر در شماره ۹ اکتبر ۱۹۶۷
 روزنامه «نیویورک هرالد تریبون» این
 عبارات جالب را نوشت : «شخص نمی تواند
 از تحسین شهامت و پی گیری ج. گوارا ،
 معروفترین انقلابی آرژانتین پس از خوزه
 دوسان مارتین خودداری کند . . . او دشمن
 ماست ولی ، خواه در گوری گمنام خفته ،
 خواه بجائی دور دست رفته باشد ، در خورد
 احترام و تجلیل است .»

چيست که دشمن را به احترام وامیدارد؟
 شهامت در نبرد، ایستادگی در ایمان . چيست
 که در توده ها اعتماد بر می انگیزد؟ جانپازی
 در راه سعادت و رهایی آنان . ارستو ج. گوارا
 هم دشمن را به حرمت واداشت و هم اعتماد
 دوست را بر انگیخت . این جراح نیرومند
 و دلیر که می توانست در شهر زاد و بومی
 خودزندگی مرفه بسازد، گاه با نام «رامون»
 گاه با نام «فرناندو» گاه در گواته مالا ،
 گاه در بولیوی ، گاه در سیرا مائسترا بدنبال
 درمان درد های جامعه رفت . قلبی که در او
 میطیبد برای آرزو های کوچک نبود . روحی
 که داشت بطرف افتخارهای بزرگ پر میگشاد.
 همه جا تلاش او بشر نشست ولی او مردپشت
 میز های خاموش نبود . او ، این «مرغ
 طوفان» ، این «دانگوی» دلیر که دل
 خونین خود را بر سر دست گرفته بود ،
 میخواست بردگان همه عالم را رها سازد و
 آنچه را در سرود ها خوانده میشود ، به واقعیت
 بدل کند . رهبری حزب کمونیست شوروی
 در نامه خود به فیدل کاسترو و رابچق «مردی در
 حداعلای صفا و پاکیزگی روحی» خوانده است .



انقلابی و قهرمان فقید ارستو ج. گوارا

مردی بنام ، با هفت گلوله در بدن در
 گوری گمنام در «واله گراند» فرو خفت .
 این قهرمان به خلق بهترین چیزی را داد که
 میتوانست عطا کند، یعنی زندگی خود را ،
 و خلق باین قهرمان بهترین چیزی را خواهد
 داد که میتواند عطا کند یعنی جاودانی بودن را .
 زندگی طی شد ، حماسه باقی است .

۱ - سپهر

تلگراف تسلیت کمیته مرکزی حزب
توده ایران برفیق کاسترو

بمناسبت مرگ ارستو گوارا

هاوانا - کوبا

کمیته مرکزی حزب کمونیست کوبا
رفیق فیدل کاسترو

از مرگ رفیق ارستو ج. گوارا
 انقلابی درخشان ، مجاهد دلآور راه آزادی و
 استقلال خلقهای امریکای لاتین عمیقاً غمگین
 و متأثر شدیم و از شما تقاضا داریم مراتب
 تسلیت و همدردی صمیمانه ما را بپذیرید و
 احساسات عمیق برادرانه ما را به حزب و مردم
 کوبا و خانواده رفیق بزرگوار فقید ابلاغ نمائید.
 کمیته مرکزی حزب توده ایران

۲۰ اکتبر ۱۹۶۷

دنباله از صفحه ۵

سخنرانی رفیق عبدالصمد کامبخش

ایران هنوز هم کاخ ها در کنار فقر سیاه بر
 پا هستند . برای هوسرانی های مجافل حا که
 صد ها میلیون دلار خرج میشود ولی در کنار
 آن انسانها از گرسنگی جان میدهند .
 شرح تمام بغرنجی های مبارزه مادشوار
 است ولی ما میدانیم که در این مبارزه
 میتوانیم به شما که سازنده کشور کبیر شورا
 ها هستید متکی باشیم .
 زنده باد اتحاد شوروی آفریننده کبیر بزرگ!
 یابنده باد حزب کمونیست اتحاد شوروی -
 حزب بزرگ لنین !
 زنده باد دوستی استوار میان ملت های ما!

يك سند تازه دایر بر دخالت «سیا» در حوادث کودتای ۲۸ مرداد

اخیراً مجله امریکائی «نیوز ویک» که مجله بورژوائی معتبر و مطلعی است
 ضمن شرح پر آب و تابی در باره جریان تاجگذاری شاه چنین نوشت : «با کمک
 «سازمان مرکزی جاسوسی امریکا» (سیا) دولت دکتور مصدق سرنگون گردید و
 شاه طرفدار غرب به تخت و تاج عودت داده شد .» (نیوز ویک - شماره ۶ نوامبر
 ۱۹۶۷ صفحه ۳۳) . همین توطئه ننگین امپریالیستی است که اکنون هیئت حاکمه
 تحت عنوان «قیام ملی ۲۸ مرداد» برای آن هر ساله مراسم مفصلی برگزار
 میکند . همین توطئه ننگین امپریالیستی است که مبداء ولادت رژیم ضد ملی و ضد
 دموکراتیک کنونی است .

کشف داهیانه شهبانو!

«نایب السلطنه» شاه فرح دیبا اخیراً - بنقل خواندنیها (شماره ۴ سال ۲۸)
 - در ضیافت باغ ارم شیراز گفته است : «امروز همانطور که روشهایی بنام
 سوسیالیسم و کاپیتالیسم در جهان وجود دارد ، باید قبول کنیم روشی بنام ژورنالیسم
 نیز وجود دارد .» واقعا کشف داهیانه است ! فقط عیش اینست که شهبانو از سه
 روش دیگری که در دنیا وجود دارد اسم نبرده اند، یعنی اتوریسم، الکلیسم و روماتیسم !!